نسیم جنوب

www nasimjonoub com

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۵۶

یک‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



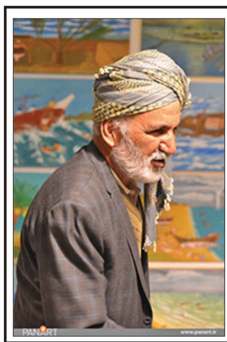
کاروانسرای «مشیرالملک» دشتستان ثبت جهانی شد

مصاحبه نسیم جنوب با حسن غلامی هنرمند طناز بوشهری، به مناسبت سالروز تولد:



خنداندن و خوشحال کردن مردم در این شرایط اقتصادی، سخت شده

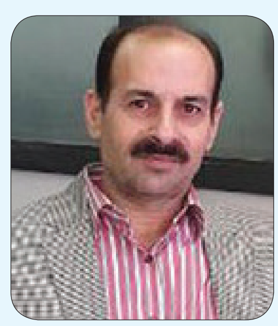
به مناسبت برگزاری نمایشگاه نقاشی ناخدا رسول غریبی در تهران:



نقاشی‌های هزار و یک شب از بوشهر و خلیج فارس

آموزش و پرورش درگیر بحران‌ها

دکتر عباس حاتمی



نگاهی به فیلم «تفریق» ساخته مانی حقیقی

گریه بی‌وقفه آسمان

مژده غضنفری



به پاسداشت معلمان فرهیخته و گرانقدر

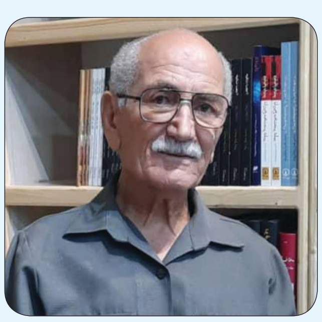
دلهره اولین روز مدرسه در بندر بوشهر

حسین شادکامی



در سوگ امراله صفری، شهروند مهربان و مسئولیت‌پذیر بوشهری

تبلوری از یک ایران مهربان و اخلاق مدار



سازمان هواپیمایی پاسخگوی تاخیر و لغو پروازهای بوشهر باشد

امام جمعه بوشهر گفت: با توجه به تاخیر و لغو مستمر پروازهای بوشهر - تهران نارضایتی شدید بوشهری ها، سازمان هواپیمایی کشور باید پاسخگوی مردم این استان باشد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری در خطبه‌های نماز جمعه بوشهر اظهار کرد: با توجه به فاصله زیاد استان بوشهر تا مرکز و همچنین نبود حمل و نقل ریلی باید مدیریت شایسته‌ای در پروازهای فرودگاه بوشهر لحاظ شود.

وی بیان کرد: در این زمینه مسئولان استان بوشهر تذکرهای لازم را به متولیان امر دادند ولی همچنان در برخی روزها سه تا چهار پرواز بوشهر- تهران لغو می شود که چنین شرایطی زیبنده بوشهری‌ها نیست.

خطیب نماز جمعه بوشهر تصریح کرد: با توجه به نگرانی و نارضایتی شدید مردم استان بوشهر مسئولان سازمان هواپیمایی کشور باید توجه به پروازهای این استان داشته باشند.

مجموعه ورزشی کارگران شهرستان دشتی ۵ سال در کماست

امام جمعه دشتی گفت: مجموعه فرهنگی ورزشی کارگران، سال ۹۷ در خورموج کلنگ زنی شد اما متاسفانه تاکنون تکمیل نشده و به سرانجام نرسیده است و این درحالی است که با تکمیل این طرح، مشکل مهم جوانان در شهرستان در خصوص کمبود زمین ورزشی باکیفیت، رفع می‌شود.

معاون استاندار بوشهر:

نقاط حادثه‌خیز راه‌های استان بوشهر رفع می‌شود

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری بوشهر گفت: نقاط حادثه‌خیز راه‌های استان بوشهر رفع می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدهادی رستمیان در نشست با مدیران راهداری بوشهر اظهار داشت: در بازدید از جاده‌ها، شاهد فعالیت‌های جهادی و حضور به موقع راهداران در حوادث هستیم.

وی افزود: راهداران در سرما و گرما فعالیت دارند و همایش بزرگ اربعین حسینی جلوه فعالیت این عزیزان بود که با کیفیت و ایمنی خوب اجرا شد.

وی رفع نقاط حادثه خیز در استان بوشهر را از جمله برنامه‌هایی دانست که باید همواره به طور جدی مورد توجه باشد.

صید میگو در آب‌های استان بوشهر ۲۵ درصد کاهش یافت

دیرکل شیلات استان بوشهر گفت: در سال جاری میزان صید میگو در آب‌های استان بوشهر نسبت به سال قبل ۲۵ درصد کاهش یافت.

طی ۳۹ روز صید، صیادان این استان ۹۸۰ تن میگو صید کردند که ۲۵ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است.

امینی با اشاره به استفاده صیادان از روش صید ترال برای صید میگو خاطرنشان کرد: روش ترال تنها در مدت آزادسازی صید میگو امکان‌پذیر است.

دانشگاه آزاد عالیشهر محل ساخت مسکن می‌شود



رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر از الحاق سایت دانشگاهی واحد بوشهر به محدوه شهری و تغییر کاربری آن خبر داد.

سروش حیدری سنگستانی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار فارس اظهار داشت: در جلسه ای که با حضور نمایندگان وزارت راه و شهرسازی و مرکز عمران، املاک و مستغلات دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد، مصوب شد کل سایت ۲۰۰ هکتاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به محدوده شهری الحاق شود و سپس تغییر کاربری صورت پذیرد.

وی با تأکید بر این که واحد بوشهر تنها مرکز استانی در کشور بود که به علت مسافت ۴۰ کیلومتری تا شهر بوشهر با مشکلات عدیده زیرساختی روبرو بود، گفت: با تلاش تیم مدیریتی دانشگاه و پس از پیگیری‌های یک سال گذشته، مصوب شد اراضی دانشگاه به محدوده شهری الحاق گردد و تغییر کاربری به مسکونی- تجاری صورت بگیرد، که این مسئله منافع فراوانی برای همکاران و دانشگاه درپی خواهد داشت.

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر با بیان این‌که مجتمع دانشگاهی چند منظوره عالیشهر واحد بوشهر از سال ۱۳۸۱ با پذیرش اولین دوره دانشجو، رسما فعالیت آموزشی و دانشگاهی خود را آغاز کرد، گفت: اما متأسفانه به دلیل فاصله زیاد از شهر بوشهر، هزینه بالای تعمیر و نگهداری و حمل و نقل، عدم تمایل همشهریان به تحصیل با طی این مسافت و از طرفی ازبین رفتن بسیاری از تجهیزات طی چند سال گذشته و ایام کرونا، با مشکل دانشجو مواجه بود.

حیدری سنگستانی با بیان اینکه طی جلسه‌ای که برگزار شد بر الحاق اراضی به محدوده شهری و تغییر کاربری به منظور ساخت مسکن با فوریت تأکید شد، توضیح داد: خوشبختانه با این مصوبه و نیز تفاهم نامه دانشگاه با شرکت عمران شهر جدید عالیشهر، ضمن رفع مشکلات جاری، گام بلندی در راستای ساخت مسکن برای کارکنان و اعضاء هیئت علمی دانشگاه استان برداشته شد.

این مقام مسؤول با تأکید بر این‌که این مصوبه، قانونی راهگشا و عملی برای ارج نهادن به زحمت کارکنان خدوم و اعضاء هیئت علمی گرامی در زمینه تأمین مسکن این عزیزان و حل مشکلات دانشگاه خواهد بود، اطمینان داد سایر مباحث الحاق، واگذاری اراضی و ساخت مسکن به سرعت انجام خواهد شد.

مشکل اصلی جامعه کارگری

مسکن کارگران یکی از مشکلات لاینحل جامعه کارگری است و متأسفانه دولت‌های مختلف در طرح‌های مسکن دولت‌ها ناموفق عمل کرده‌اند. محمدرضا تاجیک؛ نماینده کارگران در شورایعالی کار در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به اینکه در آخرین جلسه شورایعالی کار درخواست برگزاری جلسه به منظور کاهش قدرت خرید کارگران را ارائه کردیم، گفت: وزیر کار قول دادند که جلسه به این منظور تشکیل شود. او با اشاره به اینکه درخواست ما این بود که بازنگری در بحث معیشت صورت گیرد، افزود: طی سال‌های اخیر فشار زیادی در حوزه مسکن به کارگران وارد شد. وی بیان کرد: قیمت سرسام‌آور مسکن و به تبع آن اجاره‌بهای سنگین عملاً بیش از نصف حقوق کارگران را می‌بلعد که هرچند کارفرمایان درصدد افزایش حقوق باشند اما بازهم نصیب اجاره‌بها خواهد شد. بنابراین دولت باید فکری به حال وضعیت معیشت و مسکن کارگران کند.

۶۰درصد تجهیزات پزشکی غیرقابل استفاده

دبیر انجمن نگهداری و مدیریت دارایی‌های ایران با تاکید بر این مهم که عمر تجهیزات پزشکی در کشور تقریباً بیش‌از ۲۰سال است، گفته است که بیش‌از ۶۰درصد تجهیزات پزشکی کشور به‌دلیل عدم وجود یک سیستم نگهداری و تعمیرات بهینه و اصولی و وجود تحریم‌ها، قابل استفاده نیستند. نوید نصر دراین‌باره گفت: «براساس شواهد و مطالعات صورت‌گرفته، متأسفانه توجه‌نکردن به مقوله نگهداری و تعمیر بهینه تجهیزات پزشکی، منجر به کاهش عملکرد این تجهیزات و درنتیجه کاهش درآمدهای بیمارستانی می‌شود که درحال‌حاضر با وجود تحریم‌ها و عدم امکان انتقال تکنولوژی، هزینه‌های تعویض و تعمیر اساسی یا به‌روزرسانی این تجهیزات، بار سنگین مالی را به سیستم سلامت کشور تحمیل می‌کند.»

طرح پوشش بیمه‌ای فعالان کسب و کارهای مجازی در بوشهر عملیاتی می شود



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: با هدف حمایت از کسب و کارهای مجازی، پوشش فعالان این عرصه زیر پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار می گیرند.

به گزارش روابط عمومی اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر، محمدجواد بازدرهوا در توضیح این خبر اظهار کرد: سازمان تامین اجتماعی در قالب طرح‌های مختلف پوشش حداکثری خدمات بیمه‌ای در جامعه را عملیاتی کرده تا فعالان حوزه‌های مختلف از مزیت‌های بیمه تامین اجتماعی برخوردار شوند.

وی بیان کرد: در طرح جدید، شاغلان کسب و کارهای حوزه فضای مجازی و شاغلان سکوهای (پلتفرم‌ها) مختلف این حوزه در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل و سایر خدمات اینترنتی عملیاتی می شود.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تصریح کرد: فعالان کسب و کارهای حوزه مجازی با برخورداری از پوشش بیمه تامین اجتماعی می توانند خود و خانواده را در برابر شرایط سخت، بیماری، بیکاری، ازکارافتادگی و بازنشستگی از سازمان تامین اجتماعی دریافت خدمات داشته باشند.

بازدرهوا ادامه داد: با توجه به رسالت بین النسلی تامین اجتماعی به تدریج چتر پوشش بیمه سایر بخش‌ها و مشاغل فاقد پوشش بیمه‌ای را در برخواهد گرفت.

وی گفت: در حوزه کسب و کارها شمار قابل توجهی از هم استانی فاقد پوشش بیمه ای هستند که براساس رسالت سازمانی تمامی این افراد زیر پوشش بیمه قرار می گیرند.

بازدرهوا عنوان کرد: اکنون ۷۸ درصد جمعیت استان بوشهر در پوشش بیمه سازمان تامین اجتماعی قرار دارد که با اجرا طرح هایی بیمه فراگیر خانوارهای ایرانی، درصد جمعیت زیرپوشش استان به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد.

وی یادآور شد: با توجه به در پیش بودن سال تحصیلی جدید از دانشجویان نیز انتظار می رود از طرح بیمه دانشجویان سازمان تامین اجتماعی نهایت بهره را ببرند.

برگزاری ۸۵۰ برنامه به مناسبت هفته دفاع مقدس در استان بوشهر

ایسنا/بوشهر: فرمانده سپاه امام صادق (ع) استان بوشهر از برگزاری ۸۵۰ برنامه به منظور به مناسبت هفته دفاع مقدس در این استان خبر داد.

سردار علی رزمجو در نشست با خبرنگاران به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس اظهار کرد: همایش تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس از دیروز تا امروز، عطر افشانی قبور مطهر شهدا، رژه اقتدار نیروهای مسلح و افتتاح نمایشگاه دفاع مقدس از شاخص ترین برنامه های هفته دفاع مقدس در سال جاری است.

وی افزود:حضور یگان های نظامی و انتظامی در مصلی نماز جمعه، برگزاری یادواره ۵۶ شهید جهادگر استان، همایش جهاد تبیین و امیدآفرینی، پاسداشت سربازان نمونه و تجلیل از کارمندان نمونه بسبجی از دیگر برنامه های هفته دفاع مقدس در استان بوشهر است.

فرمانده سپاه امام صادق(ع) استان بوشهر تصریح کرد: اجتماع جوانان نقش آفرین در گام دوم انقلاب در مصلی نماز جمعه، تجلیل از جهادگران بسیج سازندگی به همراه افتتاح پروژه های محرومیت زدایی از دیگر برنامه های هفته دفاع مقدس در استان به شمار می رود.

رزمجو ادامه داد: امسال برای هر چه با شکوه برگزارکردن خودگذشتگی اقشار مردم در دوران دفاع مقدس، برنامه های مختلفی توسط سپاه و اقشار ۲۰ گانه بسیجی با کارکرد مردمی انجام می شود.

وی عنوان کرد: همچنین در هفته دفاع مقدس یک هزار و ۶۶۸ فقره جهیزیه معادل هر بسته ۱۰۰ میلیون تومان به افراد بی بضاعت و تحت پوشش توزیع میشود.

رزمجو با اعلام این که در هفته دفاع مقدس، ۲۰۰ واحد مسکن احداث شده به مددجویان کمیته امداد استان بوشهر تحویل می شود، بیان کرد: همچنین در تابستان امسال ۵۰۰ دستگاه کولر گازی به ارزش ۱۲۵ میلیارد ریال بین مددجویان این نهاد توزیع شد.

وی در خصوص طرح های در دست اجرا سپاه در استان بوشهر گفت: لایروبی ۶۵ کیلومتر بخشی از رود حله با پیشرفت ۴۰ درصدی و اجرای دیوار بتنی حفاظتی در دره محله علی آباد و حسین آباد برازجان بخشی از فعالیت های سپاه امام صادق(ع) در حوزه عمرانی است.

عبور از اضطراب به افسردگی

یک سال از جریان گسترده اعتراضی و یا به روایت رسمی، «اغتشاشی» گذشت. این که آن اعتراضات تکرار شود یا نشود و یا به‌صورت نطفه‌هایی در دل جریان جامعه بماند، بحثی است به جای خود؛ ولی درهرحال، عوارض گوناگون آن حوادث چیزی نیست که نادیده گرفته شود و اتفاقاً از روی همین عوارض می‌توان تا حدودی فهمید که ماجرا چه بوده و چه زوایایی داشته است. گزارش امروز صفحات جامعه «هم‌میهن» درباره وضعیت روانی مردم در یک سال گذشته و نوع اختلال‌ها و میزان مراجعه به روانشناس و روانپزشک و داروهای مصرفی به ما نشان می‌دهد که با چه وضعیتی مواجه هستیم. شاید اگر آمار رسمی بسیاری از شاخص‌هایی که تهیه می‌شود، منتشر شده بود، خیلی دقیق‌تر می‌توانستیم به آثار و عوارض این اتفاقات بپردازیم. البته پیش از این مجموعه‌ای از کارشناسان روانپزشکی و روانشناسی در این زمینه اعلام خطر کرده و بیانیه‌هایی را به طور رسمی منتشر کرده‌اند. ولی شواهد روشن نشان می‌دهد که در جریان آن اعتراضات و پس از آن، بیماری‌های اضطرابی خیلی تشدید شده بود و اکنون که از شدت حوادث کاسته شده است، بیماری در قالب افسردگی ناشی از ناامیدی و ناکامی تشدید شده است. این نوع بیماری‌ها علاوه بر آثار مخرب روانی، عوارض سوءجسمی نیز دارند و در امید به زندگی اثر خیلی منفی می‌گذارند. اگر این واقعیت جامعه خود را در کنار شاخص‌های جهانی درباره میزان شادی مردم کشورهای جهان قرار دهیم، متوجه می‌شویم؛ جامعه‌ای که دچار اضطراب، افسردگی، ناکامی و فقدان شادی باشد، مستعد برداشتن گام‌های روبه‌جلو نیز نخواهد بود. بنابراین، پیش از هر اقدامی باید کوشید که روحیه عمومی بازیابی شود و نشاط و امید به آنان تزریق گردد. گرچه دولت‌ها در پی بهبود آمار تولید و کاهش تورم و بیکاری هستند که کار بسیار خوبی است، البته اگر موفق شوند، ولی در کنار آن باید وجود این پدیده را به رسمیت بشناسند، سپس در جهت بهبود شرایط عمومی برای تخفیف این بیماری‌ها گام بردارند. یکی از عوارض این وضعیت را می‌توان در خودکشی دید که برحسب اظهارات کارشناسان متاسفانه آمار آن اعلام نمی‌شود و به نحوی محرمانه تلقی می‌کنند. اگر آمار آن محرمانه است، حداقل باید برای مسئولین قابل دسترسی باشد و به‌طور طبیعی آثار چنین اطلاعی را در تغییر سیاست‌های رسمی شاهد باشیم. جای نگرانی آن‌جاست که آمار خودکشی و سایر آمارهای بیانگر افسردگی، اضطراب و بیماری‌ها و رفتارهای روانی به اطلاع مسئولین نیز نرسد و آنان گمان کنند که وضعیت گل و بلبل است و به همین مسیر خود ادامه دهند. برداشت ما این است که شرایط تورمی بالا و فقدان چشم‌انداز و امید نسبت به آینده، این بیماری‌ها را تشدید کرده است و باید درباره آن‌ها چاره‌اندیشی رسمی کرد./ هم‌میهن.

روزگار سیاه آنلاین شاپ‌ها و افزایش هزینه‌های پستی

طبق شنیده‌ها هزینه‌های پستی تا ۱۵۰ درصد افزایش یافته و این اتفاق آنلاین‌شاپ‌ها را به ورطه ورشکستگی کشانده است. طبق اخبار رسیده به "لیدنیوز"؛ چند روزی است که اداره پست با افزایش حدود ۱۵۰ درصدی تعرفه هزینه‌ها و محدودیت در ارسال تعداد بسته‌های پستی، خواسته یا ناخواسته در راه تعطیلی و به بن بست کشاندن مشاغل و کارگاه‌های خرد خانگی گام برمی‌دارد.

اوج این معضل در بوشهر، دشتستان، دشتی و تنگستان که ارسال ماهی، خرما و فرآورده‌های خرما به سایر نقاط کشور دارند تاثیرگذار خواهد بود.

آموزش و پرورش درگیر بحران‌ها

دکتر عباس حاتمی



تکریم معلم نو اندیش و مسلط به دانش روز دنیا ضروری است.

۱- بحران ناشی از کمبود بودجه: آموزش و پرورش که کمترین رشد را دارد.

۲- بحران عدم تربیت و عدم استخدام معلم حرفه‌ای متناسب با پرستیژ بچه های امروزی.

لازمست سازمان غیر دولتی و منتخب نظام معلمان تشکیل و در خصوص آموزش، صلاحیت و حقوق معلمان فعالیت نماید.

ایدئولوژیک شدن آموزش باعث ایجاد تعارض و تضاد ذهنی در دانش آموز می‌شود زیرا دانش آموز واقعیات امروزی را متفاوت از ایدیولوژی می بیند!

۳- بحران دخالت نهادهای غیر تخصصی بخصوص نگاه سیاست زده به آموزش پرورش.

۴- بحران مدارس کهنه، کپری و کانکسی.

۵- بحران محتوای آموزشی که برخی دروس با واقعیت‌های زندگی امروزی فاصله دارند که منجر به آموزش ناپذیری دانش آموزان می‌شود.

در دوره ابتدایی آموزش ۴ درس کافی است ادبیات(خواندن و نوشتن)، ریاضی، علوم تجربی و تکنولوژی، زبان انگلیسی.

۶- آموزش ناپذیری: دانش‌آموز امروزی آگاه هست، معلم کم سواد یا بدون پرستیژ و مطالب غیرعلمی را نمی پذیرد.

پوشیدن لباسهای مُد روز و استایل امروزی (کت وشلوار با پاپیون یا کراوات) به جذابیت معلم ونفوذ کلامی او و آموزش پذیری دانش آموز کمک می‌کند.

دقت شود دانش‌آموز ذهن کنجکاوی دارد و جامعه را با جهان مقایسه می‌کند.

قوانین ناکارآمد را نه یاد می‌گیرد و نه عمل می‌کند. قوانین را باید متناسب با مطالبات و نگرش نسل جوان تغییر داد تا جوانان از سنین کودکی به نافرمانی عادت نکنند.

۷- بحران تعصبات و سختگیری‌ها بر معلمان و دانش آموزان و بسته بودن فضای مدارس.

۸- بحران نداشتن سالن ورزشی و استخر در مدارس.

۹- بحران عدم انتخاب مدیران شجاع و مدافع آموزش پرورش مُدرن.

بسیاری از مدیران مدارس فاقد نگرش و دانش روز دنیا هستند و با گرایش جناحی وسیاسی منصوب می‌شوند.

۱۰- بحران سهمیه های ناعادلانه کنکور که باعث کاهش سطح علمی می‌شود.

۱۱- بحران شکاف آموزشی در مدارس دولتی با غیردولتی.

۱۲- بحران کمبود تجهیزات گرمایشی، سرمایشی و آزمایشگاهی.

۱۳- بحران عدم جذابیت مدارس به دلیل برنامه های غیر شاد و غم آور.

۱۴- بحران کودکان بی شناسنامه و منع تحصیل.

۱۵ - بحران فقر در اکثریت معلمان.

معلمان باید حداقل در خط فقر یک خانوار یعنی ۳۰ میلیون تومان در ماه حقوق بگیرند(بر پایه تورم تابستان ۱۴۰۲ با دلار ۴۸۰۰۰ تومان).

۱۶- بحران شکاف معلم، دانش آموز به دلیل محدودیت در گزینش معلمان نو اندیش.

دانش آموزان از طریق رسانه ها با اصول و ارزش‌های پُست مدرنیسم آشنا هستند ولی معلمان اجازه تدریس دانش و ارزش‌های پُست مدرنیسم را ندارند. همین مسئله شکاف دانشی، دانش‌آموزان ایرانی را با جامعه جهانی بیشتر می‌کند.

۱۷- بحران نداشتن تبلت و گرانی نوشت افزار و ترک تحصیل بسیاری از دانش آموزان.

۱۸- بحران عدم دسترسی دانش آموزان و معلمان به اینترنت پر سرعت.

۱۹- بحران کم توجهی به نظرات معلمان و اولیاء و تمرکز گرایی تصمیمات.

تشکل های معلمان باید آزاد و امنیت داشته باشند. سیستم آموزشی و معلم و استاد نباید بله قربان گوی دولت باشند!!

۲۰- بحران حجیم بودن کتب درسی و فقر شدید در دروس تاریخ که تضاد بین مدرسه و جامعه را تشدید می‌کند.

۲۱- بحران عدم استخدام همه کارنامه سبزها.



۲۲- بحران رتبه بندی ناقص و عدم همسان‌سازی کامل حقوق.

۲۳- بحران کم سواد نگه‌داشتن معلمان، معلمان باید مثل اساتید دانشگاه فرصت مطالعاتی و اعزام به خارج داشته باشند.

بازدید هر ساله معلمان و دانش آموزان از سیستم آموزشی فنلاند، سنگاپور و ژاپن به ارتقای نظام آموزشی ایران کمک می‌کند.

۲۴- بحران حقوق پایین معلمان مدارس غیر انتفاعی و فقر مطلق پرسنل خدمات، حق‌التدریس‌ها وسرایدارها.

۲۵- بحران پولی شدن آموزش، طبق اصل ۳۰ قانون اساسی آموزش باید رایگان باشد.

۲۶- نابودی سرمایه‌های صندوق ذخیره فرهنگیان.

۲۷- بحران مسمومیت در مدارس.

مطالبه آموزش و پرورش کارآمد وظیفه همگانی است.

برخی ها آموزش فرزندان خود را در گروه‌های مجازی با معلم خصوصی (مجازی یا حقیقی) دنبال می کنند.

مدرسه از مهارت زندگی امروزی، علوم انسانی مدرن، هنر طراحی و سواد جنسی، به مقدار کافی یاد نمی‌دهد. برخی معلمان شریف در گروه‌های مجازی دانش آموزان را مستقل از کتب درسی راهنمایی می‌کنند.

زندگی آگاهانه

افزایش عمر

حسین زیبراهی- مدرس مهارتهای توسعه فردی



ما انسان‌ها دوست داریم زندگی طولانی‌ای داشته باشیم. ولی تنها می‌توانیم به انتهای عمرمان اضافه کنیم نه در جای دیگری از آن. مثلا شما نمی‌توانید دهه بیست عمرتان را بیشتر کنید. بلکه صرفا می‌توانید به جای ۷۰ سال ۸۰ یا ۹۰ سال عمر کنید. یا مثلا با ورزش، تغذیه و سبک زندگی سالم سال‌های بیشتری جوان و سرحال بمانیم. این تلاش‌ها در جهت افزایش طول زندگی است. ولی هر چه قدر که عمر طولانی داشته باشیم گذر زمان در طول عمر برای‌مان یکسان نیست. ما در سنین مختلف تجربه‌های متفاوتی از گذر زمان داریم. ابتدا در سنین کودکی زمان برای‌مان بسیار کند می‌گذرد ولی دهه‌های بعدی به تدریج سریعتر می‌شود. در میانسالی و پیری این روند سرعت بیشتری می گیرد طوری که یک دهه برای‌مان به اندازه دو سال می‌گذرد.

آلن دوباتن در کتاب «ایجاد یک زندگی پرشور و هیجان انگیز» این موضوع را ناشی از تعداد تجربیات روزانه ما می‌داند. یک بچه در یک روز هزاران لحظه و تجربه متفاوت دارد و مرتب دارد از تجربه‌ای به تجربه دیگر می‌رود.

در نتیجه زمان در چشم او گسترده‌تر شده و کندتر می‌گذرد. برعکس آن یک نفر بزرگسال به نسبت تعداد تجربیات بسیار کمتری دارد. به همان نسبت برای یک فرد میانسال یا پیر تعداد این تجربیات حتی ممکن است انگشت شمار باشد. یعنی در طول یک روز به غیر از خوردن و خوابیدن حتی با اطرافیان هم گفتگوی چندانی نداشته باشد. در این حالت چون تعداد تجربیات روزانه کم است زمان در چشم او فشرده شده و سریع‌تر می‌گذرد. دلیل تفاوت تعداد تجربیات هم این است که بچه‌ها در حال شناخت دنیا هستند و همه چیز برایشان تازه و چالش برانگیز است ولی برای بزرگسالان چیز جدیدی برای شناخت وجود ندارد و بیشتر کارها تکراری است.

برای حل این موضوع برخی پیشنهاد می‌کنند در بزرگسالی به دنبال تجربه‌های جدید باشید. مثلا سفر به نقاط جدید جهان، آشنایی با آدم‌های جدید یا فرهنگ‌های دیگر، تجربه غذاهای جدید، تفریحات و فعالیت‌های هیجان‌آور و نو. این باور در حقیقت غیر عملی و پرهزینه است. چون کمتر کسی از ما می تواند چنین سبک زندگی مارکوپولوواری داشته باشد. از نظر این باور تازگی دیدن چیزهای نو است، درحالی که تازگی باید دیدن چیزهای آشنا با نگاهی جدید باشد.

به قول سهراب: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. این همان روشی است که هنرمندان با دنیای اطراف خود دارند. مثلا نقل است پل سازان هنرمند فرانسوی طوری به سیب‌ها نگاه می کرد که انگار تا حالا سیب ندیده است.

ما فکر می کنیم طبیعت، شهر و آدمهای دور و برمان را می‌شناسیم درحالیکه شناخت‌مان کاملا گذرا و سطحی است. اگر به دنیای اطرفمان مانند یک کودک دوساله نگاه کنیم چیزهای جدید زیادی در آن می‌بینیم. توجه دقیق‌تر به یک خوشه گندم، گوش دادن موثر به صحبت‌های یک دوست، حضور کامل در یک فعالیت بدنی، انجام متفاوت کارهای روزانه، در آغوش گرفتن عزیزان به روشی جدید، تماشای ستارگان در شب ... همه می‌تواند تجربیات جدید روزانه ما را افزایش داده و در نتیجه گذر زمان را برای‌مان کند نماید.

مصاحبه نسیم جنوب با حسن غلامی هنرمند طناز بوشهری، به مناسبت سالروز تولد:

خنداندن و خوشحال کردن مردم در این شرایط اقتصادی، سخت شده

مصاحبه از مهدی فقیه

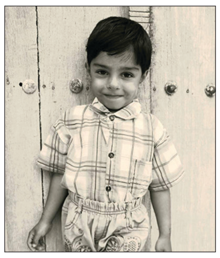
– حسن غلامی متولد چه سالی و در کجا است؟
– حسن غلامی نام هنری حنل متولد یکم مهرماه ۱۳۵۵شاید هم ۵۴ شهر بنک کنگان. لیسانس سینما. فارغ التحصیل بازیگری پارسا فیلم تهران.پایان نامه دوره فشرده تئاتر فرهنگ و ارشاد تهران. درحال حاضر کارشناسی پژوهش هنر. دوست دارم تا مقطع دکترا بخونم.

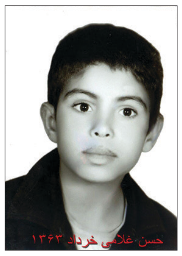


– از پدر و مادرت برای خوانندگان نسیم جنوب بگویید.
– مرحوم پدرم زائرمحمد اصلیت بچه بردخون هست که تا سن ۱۸سالگی در محضر شاعر بزرگ دشتی مفتون بوده و در سال ۱۳۴۲ میره آبادان و سپس کویت و بعدش برمی‌گرده بنک برای کار کشاورزی و بنایی چون استاد و بنای ساختمان بوده و مادرم دی عباس اصلیت اهل شهرریز جم که مادرش فوت می‌کنه و پدرش مجبورمی‌شه مادرم را پیش عمه اش شهربانو در شهر بنک بیاره و مادرم همیشه مدیون اهل تسنن بنک هست که پیش آن‌ها بزرگ میشه و دی بارونی و عمه اش برایش مادری می‌کنند و مادرم در سن ۱۷سالگی با پدرم آشنا میشه ولی همدیگه ندیده بودن و پدرم دوست داشته مادرم ببینه ولی مادرم فرار می‌کرده و بوام گفته بوده بالاخره میبینمت که بعد دیدش و ازدواج کردند و حاصلش چهار خواهر و چهاربرادر... پدر و مادرم دوستان خوبی بودند. روح پدرم شاد.
– دوران تحصیل را در کجا بودی و وضعیت درس خواندن و نمراتت چگونه بود؟
– دوران ابتدایی که عجیب و غریب بود. کلاس اول دبستان معلم شهید دکتر شریعتی بنک بعد از پانزده روز رفتم ثبت نام کردم که آقای کامران به مادرم گفته بود دی عباس کلاس اول پر شده جا نداریم دیر آمدید و مادرم گفته بود اشکال نداره کلاس اول پره بزارینش کلاس دوم.
تا کلاس سوم ابتدایی در دبستان قدیمی دکتر شریعتی درس خوندم، بعدش اومدیم دبستان شهید عباس قاسمی پور... درس‌هام خوب بود. از همون موقع ابتدایی هم نمایش بازی کردم. راهنمایی مدرسه شهید بهشتی بنک درس خوندم، البته چهارسال چون کلاس اول راهنمایی مردود شدم، بابام گفت مردود شدی؟ گفتم نه پارسال اول ب بودم الان اول ج هستم. بوام گفت باریکلا خودم می‌دونم یه چیزی میشی. دبیرستان را سال ۶۹ طی امتحان ورودی به مدرسه باقرالعلوم شهر جم رفتم که ثلث سوم اومدم دبیرستان آیت الله طالقانی کنگان و در این مدرسه اوج نمایش‌هام بود، سال سوم و چهارم اومدم دبیرستان دکترحسابی بنک و تا دیپلم... که ابوریحان بیرونی هم این‌قدر مدرسه عوض نکرده بود... نمراتم نه خوب بود نه بد.
– یه خاطره از مدرسه بگو.
– کلاس دوم دبیرستان ثلث سوم دوستم محمد مباهات بهم گفت حسن ترا بخدا سر جلسه امتحان، انگلیسی بهم بگو برات کفش (جوتی) می‌خرم گفتم بخدا مو بلد نیستم ثلث اول ۲ گرفتم ثلث دوم با کمک مردم و معلم ۷گرفتم، بدبخت خودت نکن. گفت نه شنیدم خیلی بلدی، گفتم باشه جلو من نشسته بود همه سوالات زبان انگلیسی الکی و غلط بهش گفتم. بنده خدا هم می‌زد و می‌رفت جلو و منم برای خودم دقت می‌کردم تا این‌که محمد مباهات آمد دنبالم و یه کفش دانلوپ برام خریده بود گفتم چنن گفت زبان گرفتم ۱۴ گفتم بریم نمره منم بگیریم، رسیدیم دبیرستان طالقانی کنگان دیدم زبان گرفته بودم ۴ ، نمره نبود که چول بودیم چول... شکر خدا نمرات در حد معمولی بود...
– اولین باری که متوجه شدی استعداد طنزپردازی را داری کجا بود؟
– اولین بارتوسط برادرم عباس که خودش نمایشنامه می‌نوشت با طنز آشناشدم... زند گی سگی چارلی چاپلین را ازتلویزیون سیاه و سفیدمون دیدم، عید نوروز بود سال۱۳۶۱ و عباس برایم سبیلی از موی بز درست کرده بود و با چسب لوله رو لُنجم (لبم) می‌چسپند که چسپ لول اگر به لوله ی پنج اینج می‌زدند جدا نمی‌شد و من لباس‌های پدرم و کفش پدر بزرگم می‌پوشیدم راه می‌رفتم، کوچه پر از مردم هر شب منتظر نمایش‌های من بودند. اصلا نمایش‌ها هیچ پیام و مقصودی نداشت ولی خنده‌دار بود... و اونجا فهمیدم طنز را می‌توانم ادامه بدهم. من ازسال ۶۱ و۶۲ در کنار برادرم عباس بازی می‌کردم و آموختم.
– چه کسانی بیشترین تاثیر را در بازیگری تو داشتند؟
– حاج محمد قاسمی مدیر مدرسه راهنمایی، آقای حاج محمود رضایی‌نیا، آقای مرحوم مراد علی فخری (اهل برازجان) معلم پرورشی آقای مرتضی رازقی دبیر ورزشم و مرحوم علی غلامی و آقای

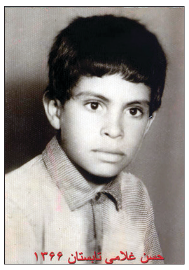


غلامحسین بارونی و برادرم عباس تاثیر زیادی در بازیگری من داشتند.
– در زمینه طنز تاکنون چه فعالیت‌هایی داشته‌اید؟
– در زمینه طنز که کارهای زیادی انجام دادم... از دوران راهنمایی در خیلی از تئاترهای مدارس و استان و جهاد سازندگی کنگان و استان کار کردم و بیشترش طنز بود. کانون های هنری کنگان و دیر هر هفته اجرا داشتم. جا دارد بگویم اوج بازی های طنزم در کنگان بود و سپس دیر که با بچه‌های کنگان و بنک و دیر بیش از آن چیزی که فکرش کنید طنز کارکردم... طنز با من آمیخته شده و همیشه کنارمه و به هم خدمت کردیم... دو عنوان برتری طنز کشوری دارم... در برنامه ستارگان صحنه ایران عنوان دارم... در خنده بازار شبکه نسیم دست به نقد بازی طنز زیاد دارم... شبکه استانی بوشهر و نمایش های زیاد طنز و شبکه های گوناگون، بعد از بوشهر بیشتر شبکه خوزستان و آبادان... خلاصه خیلی طنز را دوست دارم.
– نگاه و توجه مردم استان بوشهر به طنزپردازی‌های حسن غلامی چگونه است؟
– مردم استان عزیزم بوشهر بی‌نظیرند. مردم سخت





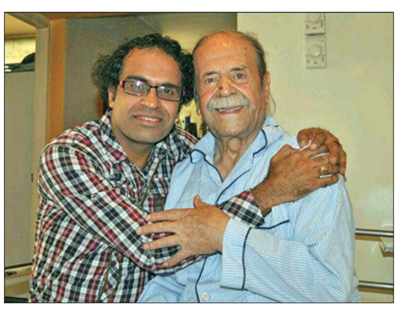
حسن غلامی خرداد ۱۳۶۳



حسن غلامی تابستان ۱۳۶۶



می‌خندند ولی باید بدونی چطور باید آن‌ها را بخندانی. نگاه مردم به شونشینی شبکه استان خیلی خوبه، بی نظیرند و من همشان را دوست دارم بلاخص پیرمردها و پیرزنهایی که هر شب میگن کی حسن و کوکاش شاهین میان. مردم عجیب دوستم دارند و من بیشتر... دستانشون را می‌بوسم... و امروز نیاز جامعه به خنده خیلی زیاده چون مردم خیلی تو فکرند و خیلی ها گرفتارند و جامعه نیاز به



شادی و خنده داره... من طنز را از درون اجتماع پیرامون خودم پیدا می‌کنم.
– سوژه‌های طنز خود را چگونه انتخاب می‌کنید؟
– سوژه‌هایم بر اساس اجتماع پیرامونم شکل می‌گیرند. سال‌ها پیش که گاز به کنگان و بنک و اطراف نمی‌دادند، من کپسول گازی رو دوشم بود و جلو هزاران نفر اجرا می‌کردم و ترانه می‌خوندم «گازبزرگی زیرپامون ولن، کپسول گتی ری کول دیمونن». یا مثلا وقتی مطلبی می‌خوانم آن را به طنز برمی‌گردانم.



– یک خاطره بامزه و طنز درباره خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب بگویید.
– خوانندگان نسیم جنوب عشقند... چه بگم هر لحظه ی زندگیم با مردم خاطره هست... و منم خاطره بامزه زیاد دارم... یه بار یه خانمی تو بازار بهم گفت عامو حسن تو تلویزیون قشنگتری، چند ماه بعدش تو بازار صفا یه پیرمرد مهربونی گفت عامو حسن خودتی، چقدر اینجا قشنگتر از تو تلویزیونی. رفتم بنک پیش مادرم گفتم دی اینجا قشنگترم یا تو تلویزیون؟ گفت کسی دورمون نیست؟ گفتم نه، گفت هر دوتا جاش هیچی نیسی خیلی فرق نداری دی هاهاهاها...
– در زمینه طنز کار کدام یک از هنرمندان ایرانی و خارج از ایران را می‌پسندی؟
– در ایران اکبرعبدی و مهران مدیری و خارج چارلی چاپلین و جری لوئیس، البته در کل من از بازی استادم محمدعلی کشاورز که خیلی هم کنارش بودم لذت می‌بردم، روحش شاد.
– از این که با فعالیت‌های هنری و طنازی خود باعث خنده و خوشحالی مردم در این شرایط می‌شوید، چه احساسی داری؟
– احساسم اینجا وصف ناشدنی است، خوشترین لحظات عمرم دیدن خنده‌های مردم است. وقتی مردم بخندند اون لحظه برایم عید است... شرایطی سخت اقتصادی که امروزه مردم دارند، خنداندن آن‌ها را سخت کرده ولی حس می‌کنم باید جامعه را شاداب کرد... غم و غصه زیاد شده که امیدوارم مردم با تبسم‌های خودشون زندگی را شیرین تر کنند.
– موقع ناراحتی و غمگینی خودت چه کاری برای خوب کردن حالت انجام می‌دهی؟
– سوال سختیه اگه بگم باورنمی کنید، سعی می کنم برای خودم جوک بگم و بعدش لبخندی بزنم شاید مردم مرا بیشتر با خنده بشناسند ولی درونم بعضی وقت‌ها بخاطر بعضی کارها و شرایط شاد نباشه اما دیگه سعی کرده‌ام توقعاتم را پایین بیارم... سعی می‌کنم آشپزی کنم... یا کتاب بخونم یا فیلم ببینم.
– مردم از چه نوع طنزهایی بیشتر استقبال می‌کنند؟
– طنز یعنی موقعیت، حال مردم مهمه، طنزهای موقعیت خیلی مهمه، مردم از طنزهایی که خودت باشی لذت می‌برند نه ادا باشه و نه این که بخواهی به زور بخندانی و من همیشه میگم خنده تنها دارویی است که نیاز به نسخه ندارد.
– علاوه بر شما چه هنرمندانی در زمینه طنز در بوشهر فعال هستند؟
– یه زمانی مهدی دهقان عالی بود که ادامه نداد. دوستان و هنرمندان زیادی هستندکه طنز



کارمی کنند. مثلا درشهر جم سید علیرضا موسوی عالی کارمی کرد که اونم مدتهاست کار نمی کنه... در اهرم سعید گلچمن و در دشتستان محمد رحیمی و در گناوه جهانگیر اژدری و در بوشهر امین چاهشوری خوبند. البته خانم مارال ایزدبخش هم در طنز بازیگرتوانایی است که سالها با امین چاهشوری و محمد رحیمی کنارخودم بازی کردند.

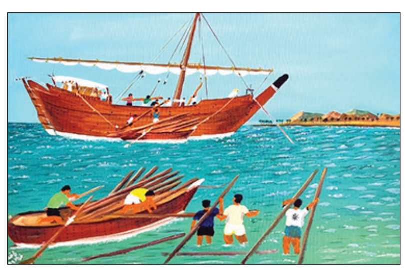
به مناسبت برگزاری نمایشگاه نقاشی ناخدا رسول غریبی در تهران:

نقاشی‌های هزار و یک شب از بوشهر و خلیج فارس

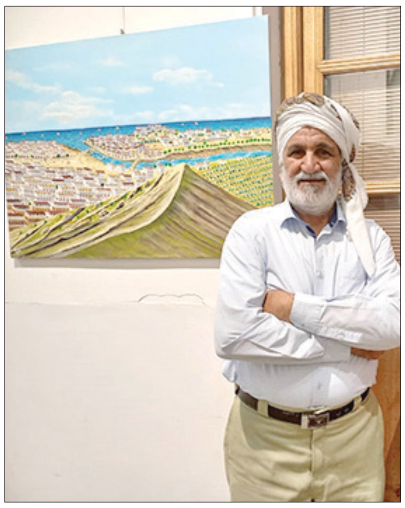
ناخدا عبدالرسول غریبی (م. ۱۳۳۴، بوشهر) در خانواده‌ای ماهیگیر چشم به جهان گشود و تمام عمرش را در کنار ساحل بندر جفره گذرانده است. او پس از دوران بازنشستگی در سال ۱۳۹۷ به‌شکل اتفاقی و غریزی شروع به نقاشی کشیدن کرد و آثارش در چندین نمایشگاه در بوشهر و تهران به نمایش گذاشته شده است. ناخدا در بوشهر زندگی و کار می‌کند. (آثار این هنرمند در تقسیم‌بندی آوت‌سایدر آرت، در شاخه‌ی نائیو آرت قرار می‌گیرد.)



بعد از هماهنگی که با گالری داشتم، تصمیم گرفتم بروم گالری اوت‌سایدراین و کارهای ناخدا را ببینم. آن‌جا رفتم و کارها را دیدم. ناخدا موضوعات تقریبا یک‌سانی یا لااقل مربوط به همین را برای خلق هنری انتخاب کرده، اگر بخواهیم برای فهم بهتر، یک دسته بندی ارائه کنیم، تصاویر او را می‌توان زیر تعبیرِ اتنوگرافی یا قوم‌نگاری دسته‌بندی کرد. اما این قوم‌نگاری شامل تنوع جالب توجهی است. اگرچه اغلب تصاویر شامل بخشِ دریانوردیِ زندگی او می‌شود اما، هم تعداد تصاویر مربوط به موضوعات دیگری مثل عزاداری‌های مذهبی، حیوانات، قهوه‌خانه و بوشهر و غیره کم نیست و هم تنوع برخوردِ ناخدا به موضوعِ دریانوردی گستره‌ی وسیعی را دربر می‌گیرد.



تصاویر را از نزدیک می‌دیدم، بازی‌های متنوع ناخدا با محل قرارگیری خط افق در بردار تصویری، گوناگونیِ روایت‌های صامت و نقاشانه، واقع‌گرایی و هم‌زمان پرداختن به موضوعات و داستان‌های غیرواقعی مثل افسانه‌ی بوسلامه، کاربست رنگ در نسبتی خوشایند با معماری و حال و هوای بوشهر، آزادیِ نائیو و هم‌زمان شکلی از وفاداریِ به نحوه‌ی انگاردنِ موضوعات تصویر و زاویه دیدها و لنزهای متنوع به روشنی مشهود بود. در واقع من شیفته‌ی تمام این تنوع‌هایی شدم که در کارهای یک هنرمند نزدیک به هفتاد ساله می‌شد دید. از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، آثار ناخدا به مراتب پیش‌روتر، مدرن‌تر و شبیه‌تر به زندگی در قیاس با خیلی از هنرمندان هم سن و سالش است. آن‌چه درباره‌ی هنر ناخدا من را به خود جذب می‌کند، این است که هنرِ او حسی شبیه به حسِ کتاب هزار و یک شب را می‌دهد بدون این‌که از روایتِ رقیقی که از نقاشی انتظار داریم دور شده باشد و بین تمام هزار و یک‌شب‌ها یادآور هزار و یک شبی است که صنیع الملک در ساختن آن نقش داشت. کارهای ناخدا در خدمتِ یکی از ویژگی‌های تاریخیِ هنر یعنی به تصویر کشیدنِ فرهنگ، پوشش و معماری محل زندگی هنرمند هستند. از سویی تداعی گر کتاب‌سازیِ صنیع‌الملک برای کتاب هزار و یک شب است. برخی تمهیدات ناخدا که صحنه‌های جنگ را به تصویر کشیده برایم یادآور صحنه‌هایی از فیلم آخرین سامورایی است، خصوصا آن لحظات پایانی نبرد که کاراکتر کاتسوموتو در کنار تام کروز بالای تپه‌ها مشغول به گفتگو هستند. شاید کمی هم یادآور تصویری که به عنوان قدیمی‌ترین نقاشیِ واقعه‌ی کربلا مشهور است.



رابطه‌ی قصد و موضوعِ هنر ناخدا – و شاید خیلی دیگر از هنرمندان دنیا – را به جز آن‌چه قوم‌گرایی نامیدم، می‌توان بدون عنوان گذاشتن نقاشی‌هایش جستجو کرد. کسی که نامی برای نقاشی‌هایش انتخاب می‌کند، می‌خواهد چیزی را به مخاطب «شیرفهم» کند. ناخدا بی‌قیدتر از این حرف‌ها است. این از ویژگی‌های برخی هنرمندان نائیو است طبعا که نسب به آن‌چه در صحنه‌ی هنر، میان دیگر هنرمندان، در جریان است چندان آگاه نیستند و همین ناآگاهی آن‌ها را به مراتب بی‌قیدتر از هنرمندانی کرده که رفته‌اند و درس هنر خوانده‌اند. آدم‌هایی مثل ناخدا نگرانِ این‌که تصویرشان چطور قرار است دیده شود نیستند و همین عدم نگرانی، جزو ویژگی‌های شخصیتیِ آدم‌های جالب در قرن حاضر است، به آدم‌هایی از این دست باحال، کول، خوش‌سفر و خوش‌مشرب می‌گوییم. اگرچه با هنرمند گفتگویی نداشتم اما لااقل نقاشی‌های ناخدا من را یاد خاطره‌ام از ساحل بوشهر، رستوران‌ها و معماری حیرت‌انگیز این شهر می‌انداخت، منظورم این است که نقاشی‌ها حامل داده‌های زیادی از آدمی که آن‌ها را خلق کرده هستند.

https://hadipsad.wordpress.com/۰۳/۰۹/۲۰۲۳/the-last-sailor/









– اجرا در کنار شاهین بهرام‌نژاد نقش مهمی در معرفی شما در صدا و سیمای بوشهر داشته، نظرت در این باره چیست؟

– بی شک اجرا در کنار کوکام شاهین بهرام‌نژاد لطف خاصی دارد، ایشان تمام لحظات و حالات مرا می‌داند و من را در موقعیت خوب طنز قرار می‌دهد. امروزه درایران مثل شاهین کم داریم واقعا معرفی من به جامعه با شونشینی و شاهین بهرام‌نژاد هموارشد.

– تیم شاهین بهرام‌نژاد با یک اجرای جدی در کنار حسن غلامی با یک اجرای طنز، چگونه شکل گرفت؟

– سوال قشنگی است، من و شاهین همدیگر را می‌شناسیم و هر دو در زمینه هنر نمایش و بازیگری تحصیل کرده‌ایم و سال‌هاست در کنارهم اجرا داریم، هم تلویزیون هم روی صحنه با مردم. کسی می‌گفت شما زوج خوبی هستید مثل جواد زرینچه و مجید نامجومطلق و یا فرشاد پیوس و محسن عاشوری... شاهین جدی و من طنز حالا باید با دقت پاسکاری شود که شاهین به خوبی من را در موقعیت گل قرار می‌دهد.

– بهترین برنامه‌ای که در صدا و سیما داشتید؟

– بهترین برنامه که شونشینی هست که من با آیتم‌های مختلف اجرا کرده‌ام. کپ کپ، خط مرزی، گلگشت، ریتمیک طنز، تکدو، کیچه پس کیچه، زنبیل، تاکسی شونشینی، گزارش‌های طنز و مردمی و خلاصه ده‌ها برنامه دیگر.

– در معرفی و موفقیت شما چه کسانی بیشترین نقش را داشتند؟

– من از محضر بزرگان هنر ایران بهره برده‌ام. اساتیدی همچون جولایی، مرحوم آبروان، داود فتحعلی بیگی، رضاکیانیان، مرحوم جمشید مشایخی، مرحوم محمدعلی کشاورز و خیلی‌ها و این‌ها برای من زحمت زیاد کشیدند. برادرم عباس، حاج محمد قاسمی، آقای حسن مختارزاده ومرحوم پدرم و مادر عزیزم و بی‌شک صدا و سیمای مرکز بوشهر و برنامه شونشینی و همه مردم شریف استان بوشهر. حسن غلامی فرزند زنده یاد زایرمحمد خاک پای همه مردم است.



مردم به دندانپزشک مراجعه نمی‌کنند

علی تاجرنیا، استاد دانشگاه، دندانپزشک و رئیس هیئت‌مدیره جامعه دندانپزشکی ایران گفته است: «قیمت خدمات دندانپزشکی در کشور ما گران است و برای دریافت این خدمات، یا مردم باید توانایی مالی مناسبی داشته باشند یا دولت باید کمک کند. الان اقتصاد مردم دچار چالش‌های جدی است و درمان‌های دندانپزشکی عملاً از سبد خدمات طبقه متوسط حذف شده است؛ مگر کسانی که بیمه تکمیلی مناسبی دارند یا در نهادهای دولتی شاغلند و دولت، آن‌ها را حمایت می‌کند.» او ادامه داد: «از میزان دندان‌های پوسیده هر ایرانی آمار دقیق و جدیدی وجود ندارد، اما باید گفت تعداد دندان‌های پوسیده ایرانی‌ها به نسبت توقعی که از آن می‌رود، زیاد است. البته ما از نظر شاخص سلامت دندان در منطقه، اوضاع بدی نداریم اما وضعیت درجه‌یکی هم نداریم.» تاجرنیا در ادامه گفت: «باتوجه به این‌که طی چندسال گذشته، پژوهش جدیدی در حوزه میزان پوسیدگی دندان‌های ایرانی‌ها صورت نگرفته، جدیدترین آمار رسمی موجود مربوط به سال ۱۳۹۵ است.

موج مهاجرت تقویت می‌شود

جلیل رحیمی‌جهان‌آبادی، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با جماران درباره تاثیر برخوردهای سیاسی مانند اخراج اساتید بر افزایش مهاجرت گفت: «هر نقدی وقتی با جامعه مطرح می‌شود حرف دشمن نیست؛ اگر نقد و ایراد و صحبت استاد دانشگاه در کلاس درس و پیرامون سیاست‌های جاری و یا پیرامون سیاست‌هایی که در جامعه اعمال می‌کنیم، نباشد و نقد خود را بیان نکنند و اگر فردی متخصص نقد نکند، پس چه کسی باید ما را نقد کند؟!» او در بخش دیگری گفت: «اکنون موج مهاجرت پزشکان و پرستاران، مهندسان و حقوقدانان را داریم. همچنین اقداماتی در برنامه هفتم انجام می‌شود که این موضوع را تقویت می‌کند. کانون وکلای دادگستری را هم در حد تصمیم‌گیری برای صنف میوه و تره‌بار تنزل می‌دهند. نمی‌دانم این تصمیمات از کجا ناشی و از چه تفکری ناشی می‌شود؟!»

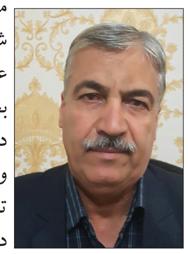
آمار خودکشی سال ۱۴۰۱ محرمانه است

حسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران گفته است: «آمار خودکشی در سال ۱۴۰۱ محرمانه است، اما می‌توانم بگویم که تعداد آنها بیشتر شده است. به‌طورکلی روند فوتی‌های ناشی از اقدام‌به‌خودکشی، در کشور افزایشی است.» او ادامه داد: «در سال ۹۶ شاخص خودکشی به‌ازای ۱۰۰هزار نفر جمعیت ۵/۵ بود. سال ۱۴۰۰ اما این شاخص به ۷/۴ به‌ازای ۱۰۰هزار نفر جمعیت رسید. این روند افزایش ۲درصدی در بازه پنج‌ساله، بسیار زیاد و نگران‌کننده است. این درحالی است که قبلاً این شاخص در بازه ۱۰ساله ۲/۰ بود.»

چلک ادامه داد: «در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۸درصد از فوتی‌های ناشی از اقدام‌به‌خودکشی را زنان تشکیل می‌دادند.» با این حساب آمار فوتی‌های ناشی از اقدام به خودکشی در مردان بیشتر است. او گفت: «میانگین خودکشی در کشور ۷/۴ به ازای ۱۰۰هزار نفر است. نرخ خودکشی در استان ایلام ۱۷/۸، کهگیلویه و بویراحمد ۱۵، چهارمحال و بختیاری ۱۴/۸، همدان ۱۳/۲ و لرستان ۱۲/۲ است. استان‌های شمال غرب که نرخ خودکشی بیشتری دارند، کم‌برخوردار هستند و این معنادار است.»

به صدا در آمدن ناقوس تهدید آبزیان خلیج فارس!

مجید غاله



مقدمه: بعضی از امور مرتبط شهری به ویژه درحوزه های عمران، ابادانی و مجموعه بخش‌های دیگر استان، دارای مشکلات ساختاری و زیر بنائی هستند (از قبل تاکنون با خود به همراه داشته است) که موجب بازدارندگی جامعه از پیشرفت، توسعه و تکامل همه جانبه گردیده به طوری که با تسرّی به زندگی مردم و مبتلا به شدن همگان، آینده استان نیز تحت شعاع خود قرار داده که در واقع، هشداری است به مجموعه مدیریتی استان که با تلاش‌های مضاعف و شبانه روزی خود، سرعت رشد لازم و متوازن را در توسعه و پیشرفت همه جانبه ایجاد نمایند تا موجب ارتقاء کیفی وضع موجود شده و در تراز جامعهٔ پیشرفته قرار بگیرد.

با توجه به طرح موضوع مرتبط با حوزهٔ دریا، شیلات وآبزیان و خطراتِ پیش رو و تهدیدهائی که نمود عینی آن در جامعه با کمبود و گرانی غیرمتعارف آبزی به واقعیت رسیده و منجر به اخلال در بازار شده به سادگی قابل جبران نیست. (عدم مطابقت عرضه وتقاضا)

چنانچه مقام ارشد استان و مجموعه مدیریتی شیلات با توجه به کمبودها و نواقصات فعلی حوزه مربوطه تلنگری را متوجه مجموعه خود ببینند قطعا با اقدامات جهادی و موثر، گام‌های رو به جلو وجبرانی اتخاذ خواهند نمود تا کمبودها رفع گردد، با توجه به این که متولیان مربوطه تاکنون اقدامات ویژه درخصوص تولید و رها سازی آبزیان در دریا داشته و حوضچه های خشکی و دریائی پرورش ماهی و میگو را فعال نموده اند بسیار جای قدردانی دارد اما مشخص است که تاکنون این اقدامات کافی نبوده که تلاش جهادی و مستمر لازم دارد تا با غنی‌سازی چرخه تولید ابزی و استحصال آن در جهت تامین نیاز واقعی بازار شکل بگیرد.

با این وجود باید اذعان نمود، چنانچه این اقدامات حوزه ستادی شیلات انجام نمی گرفت مشکلات عرضه آبزی و کمبودها خود را خیلی بیشتر نشان می داد، علی ایحال، با توجه به درآمدهای مناسب حوزه شیلات، بودجه کافی، داشتن امکانات لازم، برخورداری از نیروهای متخصص کارآمد در بدنهٔ خود و همچنین تجربهٔ ارزشمند چند دههٔ پیشین، می توان امیدوار بود با اتخاذ برنامه‌های استراتژ یک،کاربردی همراه با ابتکارات واقدامات زیربنائی واصولی رافع نگرانی‌های مردم در تامین پروتئین استان وکشور باشند اما بازهم پذیرفتنی نیست استانی با این همه ظرفیت و پتانسیل بالقوه و بی نظیر که دربلندترین مکان دنیا قرار گرفته و دیگران حسرت داشتن چنین استان و شهری را در قلمرو خود دارند شاهد به روز نبودن حوزه صید و عقب‌ماندگی تولید در این حوزه باشیم که البته برون رفت از آن، نیاز به همت ملی و مشارکت عمومی دارد، لذا ضرر و زیان‌های متعددی که صید ترال (گوفه میگو و گوفه ماهی) به ابزیان وارد کرده چه در فصل صید و چه در خارج فصل صید که بدون وقفه هم در حال انجام است به سادگی قابل جبران نیست اما متاسفانه اقدامی موثر و لازم در ممنوعیت این گونه صید در خارج فصل مشاهده نمی شود، لذا استان بوشهر و بندر بوشهر با ثروت عظیم و بالقوهٔ خود که بیش ازحجم وگستردگی شهری و محیطی پیرامونی‌اش می باشد دارای قدرت و توان اقتصادی بالائی است که پیشرفت کامل در همهٔ امور به ویژه صنعت صید را طلب می کند گرچه استان تاکنون منشاء خدمات متعدد و بی‌شماری در همه حوزه ها و بخشها بوده است اما متاسفانه خود فراموشی به استان دست داده تا وضعیت امروزش با نحوه پیشرفت و توسعه همه جانبه براساس داشته ها و توان موجود خود همخوانی نداشته باشد بر همین اساس در توسعه کشوری و استاندارد ها هم فارغ از قرابت و مطابقت‌ها، در جایگاه واقعی خود قرار نداشته باشد.

... و اما بعد ...

جدای از بحث شهری، عمران، آبادانی و توسعه در ابعاد و محورهای گوناگون استان ضرورت دارد بیشتر تلاش شود تا به نقطه مطلوب مورد نظر رسیده شود، علی ایحال طرح موضوع، بیشتر با تاکید بر سمت و سوی شیلات و آبزیان است تا موضوع فوق العاده مهم و ویژه که مرتبط با حوزه ستادی استان است و تقریباً از دیدها و نظرها مغفول مانده با تأکید بیشتر مورد توجه و عنایت قرار گیرد تا دغدغه‌های مضاعف مردم در استان و کشور برطرف گردد، البته باصید بی‌رویه



و نابودی گونه های دریائی که در سال‌های اخیر باعث کمبود امروز آبزی شده تهدیدی بالقوه برای جامعه و سلامتی مردم شده است که ناقوس آن مدت‌هاست به صدا در آمده و چالشی است از گذشته تا آینده که روز به روز هم گسترده‌تر وخطرناک‌تر که با کوچک‌تر شدن سبد غذائی مردم از آبزیان، خود را بیشتر نشان داده تا تهدیدی جدی بر سلامتی جامعه باشد.

با توجه به این که استان بوشهر با ۶۳۰کیلومتر و یا به قولی ۶۹۰ کیلومتر خط طولی که تا مرزهای دریائی بین‌المللی امتداد یافته وظایف متولیان مربوطه را سنگین‌تر کرده تا آنان و مسئولین شیلات استان، مشکلات موجود را در بخش‌هائی ببینند که مغفول مانده یا این که در فرایند و چرخه کمبود آبزی در نقش و جایگاه واقعی خود ایفاء نقش نمایند و با اتخاذ راهکارهای کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت در غنی‌سازی خلیج‌فارس و حوزه دریائی استان حتی با مشارکت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس که با اقدامات کاربردی و عملیاتی درجهت بهبود صید دریائی همراه خواهند بود، تلاش مضاعف نموده و گام عملی بردارند، البته علت این که هر سال بایستی یاد سال قبل کرد این خلاء را باید در کدام بخش جستجو نمود البته با توجه به این که در گذشته مصرف آبزی تنها مختص جنوب و یا شهرهای ساحلی شمال بوده، ولی امروزه مصرف آبزی به تمام نقاط کشوری تسریع یافته و اقصی نقاط کشور مصرف‌کننده ماهی و میگو هستند پس همت جهادی لازم دارد در جهت جبران، که آن هم با عزم و همت ملی در تامین آبزی و رفع کمبودها و رسیدن بازار به تعادل، به دست خواهد آمد که تلاش و حرکتی باشد در راستای سلامتی مردم.

نگاهی به فیلم «تفریق» ساخته مانی حقیقی

گریه بی‌وقفه آسمان

مژده غضنفری



«تفریق» ساخته‌ی مانی حقیقی هرچند در ایده نمونه‌های خارجی زیادی دارد (فیلم‌های همزاد یا هم‌شکل یا Double) اما در اجرا و کارگردانی با این‌که کار نسبتا دشواری نیز بوده است، قابل قبول است. فیلم جهانی نمایشی خلق می‌کند تا کارگردان راه‌های تفسیر را باز نماید. دو خانواده‌ی هم شکل (زن و شوهری مشابه) معرفی می‌شوند که در واقع یک خانواده‌اند اما از دو طبقه‌ی اجتماعی‌اند، تا فیلمساز این امکان را داشته باشد که در دل روایتی نمایشی حرفش(مانیفیست‌اش) را بیان کند.



مانی حقیقی آشکارا نگاه مثبتی به شرایط جامعه و روابط و خانواده‌های امروزی ندارد. جامعه‌ای که در آن، طرف پرخاشگر، متوهم، عصبی، ناراحت، غمگین و افسرده، طرف دیگر که خیرخواه، مصلح، شوخ و شنگ، همراه، شاد و غیرمتوهم است را نابود کرده است، یا حتی به بیان دیگر جنبه‌های مثبت آدم‌ها در تاریکی و آتش در حال سوختن است تا آدم‌ها به دلیل وضعیت نابسامان جامعه با تمام جنبه‌های منفی‌شان در حال زندگی در کنار همدیگر باشند. با این‌که ابری در آسمان نیست اما همیشه باران می‌آید و صدای رعد و برق هم شنیده می شود. آفتاب از زندگی‌ها رخت بربسته، و وضعیتِ جامعه، زندگی و روابط فِیک و جعلی شده است.

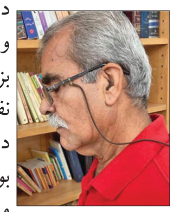
کودکِ فیلم (نماینده نسل جدید) البته کماکان عاشق بازی، فوتبال و شادی است و صد البته متوجه‌ی این وضعیت نابسامان خانوادگی نیز هست (پسربچه می‌داند که زن جدیدِ هم‌شکلِ مادرش، مادر واقعی‌اش نیست) پس با همه‌ی سیاهی شاید امیدی وجود داشته باشد. سکانس پایانی و سوختن دو طرف مصلح و شاد در آتش و دیالوگی که رد و بدل می‌شود کمی لوس به نظر می‌رسد، اما این هم می‌تواند نقطه‌ی امیدی برای تماشاگر باشد.

فیلم با این‌که درامی خانوادگی و در عین حال روانشناختی است و تلاش دارد دو طبقه‌ی فرودست و متوسط را در کنار هم به تصویر بکشد اما برخلاف درام‌های خانوادگی اخیر سینمای ایران وجهی مستندنما ندارد و فیلمساز کاملا جهانی غیررئال و نمایشی را می‌سازد. در عین حال «تفریق» فیلمی به شدت انتقادی است و فاجعه‌ی روابط امروزی را به فاجعه‌ی شرایط سیاسی، اجتماعی کشور مرتبط می‌داند و تنها امید باقی مانده این است که جوان‌ترها آگاهند و طبیعتاً دانستن پیش‌شرطِ اول برای تغییر است.



یادی از زنده یاد کامفیروزی که به معنای واقعی معلم بود

شهرام شریف پور



در سال ۱۳۴۳ در آموزش و پرورش بوشهر تحولی بزرگ رخ داد. حدود ۷۰ نفر معلم در رده دبستان، دبیرستان، مدیریت از فارس بوشهر فرستاده شدند، سهم مدرسه ما دبستان گلستان چهار نفر بود، با توجه به این‌که آقای مدیر (خلیل رهنمایی) بعد از بیش از چهار دهه خدمت از دبستان گلستان در سال ۱۳۴۲ بازنشسته شده بود، آقای کاظمی معاون و هم معلم ورزش، آقای استقامت معلم پنجم و آقای کامفیروزی معلم ششم به دبستان گلستان آمدند، کلا در این مقطع آموزش پرورش واقعا متحول شد.

کوتاه بگویم وقتی دبستان گلستان را تمام و می‌رفتی دبیرستان به طعنه ورود به دانشگاه می‌نامیدند، چون اکثر دانش‌آموزانی که موفق می‌شدند ششم ابتدایی را قبول شوند و به دبیرستان بروند انگشت شمار بودند و گاها به جای شش سال، دوره دبستان را دوازده سال طی می‌کردند و نادر بودند که در خرداد از ششم قبول شوند.

از سال ۴۳ با آمدن معلمی به نام کامفیروزی که اصالتا از کامفیروز فارس آمده بود و یاد و نامش برای همیشه مانا باد، به تمام معنی عشق معلمی داشت و آن‌چنان در آموزش و حتی پرورش دانش‌آموزان جدی بود که در دبستان گلستان انقلابی ایجاد کرد و در سال ۱۳۴۴ یعنی اولین خروجی دانش آموزان او، رتبه اول امتحانات ششم دبستان‌های بوشهر از دبستان گلستان آقای رادمنش شد، من در سال بعد وارد کلاس ششم شدم، درس من خوب بود، واقعا احساس می‌کردم این معلم چه قدر عاشق کارش هست، اولین کتابی که به معنای کتاب ایشان برای مطالعه داد (تا آن موقع ما بیشتر کیهان بچه‌ها وکتاب‌های قصه‌های طلایی را مطالعه می‌کردیم) کتاب بابا لنگ‌دراز اثر جین‌ایر بود و این کتاب آن‌چنان تاثیری بر بینش و تفکر من از زندگی گذاشت که در حقیقت من را متحول کرد، طوری که چند روز بعدش در بهمن ماه شاه می‌خواست بیاید بوشهر و ما دانش آموزان پیش آهنگ جزو کسانی بودیم که بایستی به استقبال شاه می‌رفتیم، با یکی از دیگر همکلاسی ها صحبت کردم و تصمیم گرفتیم در مراسم استقبال شرکت نکنیم، که فردای آن روز شنبه در یک هوای سرد و در حالی که باد شمال زوزه می‌کشید در سر صف مدیر مدرسه ترکش‌های چوبش در جلو همه بچه‌ها آن‌چنان بر کف دست‌های ما دو نفر ضربه می‌زد که کف دست ما چون بادمجان سیاه شده بود، و آن‌جا بیشتر پی بردیم که معلم ما چه قدر بزرگ است، من هیچ وقت خدمات و ارزش زنده‌یاد آقای کامفیروزی را در آگاهی و رشد خود فراموش نمی‌کنم، او انسان بزرگی بود، یاد و نامش برای همیشه مانا و در قلب ماست.

جا دارد از همه معلمان و کادر مدیریت که در دهه چهل در دبستان گلستان در حق من معلمی کردند یادی کنم و بگویم زحمات آنان هرگز فراموش نخواهد شد، زنده‌یادان، خلیل رهنمایی، احقاق، مدنی، نجف‌زاده، بازویی، کردستانیان، باقر فرخ، کامفیروزی، و بزرگواران، آقایان استقامت، کاظمی، آبیاری، نبوی، و به خصوص زنده یاد ماشاالله بوشهری بابای مدرسه، نام همه این بزرگان مانا باد.

به پاسداشت معلمان فرهیخته و گرانقدر

دلهره اولین روز مدرسه در بندر بوشهر

حسین شادکامی



محله ما جبری در جنوب گمرک که چهار محل زیارتی‌ها، خرمایی‌ها، سیاهگلا و عالی‌آباد شامل می‌شد و بیشترین مدرسه در شهر بوشهر نسبت به سایر محلات داشت. در سال های۴۶ دارای چهار مدرسه پسرانه (باقری، مهرگان و فردوسی، سعادت) و مدرسه دخترانه (مستوره کرد، دشتی) بود.

تاریخچه مدرسه در دهه ۳۰ تا اواسط اولیه دهه ۴۰ مدرسه دخترانه دشتی که کنار خانه مرحوم مشهدی کاظم پورغلام (چهار راه نادر به حافظ امروز) و غرب مدرسه قبلی فردوسی واقع شده بود (نزدیک انبار پوستی) و مدرسه باقری که در خیابان صفوی بانک ملت فعلی جزو مدرسه‌هایی بود که در آن زمان فعال بودند. مدرسه دشتی مدتی بعد جابجا و به خیابان عالی آباد فعلی انتقال یافت و کنار مدرسه مستوره کرد و الان با نام شهید حسین فهمیده هست. مدرسه مهرگان در عالی آباد، و مدرسه سعادت چهار راه مخابرات روبروی هنرستان حاج جاسم که بعداً به پشت دادگستری انتقال یافت. مدرسه فردوسی به خانه مرحوم محمد مشایخ در مرز بین دهدشتی و جبری پنج، شش خونه جنوب مسجد جامع عطار از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۴۶ که با خونه ما یکی دو پلاک شمالتر بود و میدون بزرگی روبروش بود. این مدرسه در قسمت جنوب غربی دارای سه کلاس (اول و دوم و سوم) با ارتفاعی شش هفت پله نسبت به سه کلاسی که در جنوب شرقی اختلاف سطح داشت و درب و دالان بزرگی ورودی به مدرسه بود که قسمت شمال غربی نیز سه کلاس (چهارم و پنجم و ششم) و یک دفتر و انباری تغذیه‌ها و کتاب‌ها بود که ضلع جنوبی و جنوب شرقی هم سطح جدا کرده بود و حیاطی بزرگ در وسط مدرسه بود همراه با آلاکلنگی بزرگ و قطور که برای‌مان ترس داشت. ترس و شادی روز اول تمام وجودم را گرفته بود. لباس نویی (شلوار پارچه‌ای چینی که کمربندش از جنس همون شلوار بود و یک پیرهن رنگ رنگی که با جثه نحیفم شکل هندی‌ها شدم و یک کتونی داملاپ که بوام از سفر کویت آورده بود) هم خوشحال بودم و هم ترس تموم وجودم گرفته بود ولی جرئت تنهایی به مدرسه رفتن نداشتم و به دیم (مادر) می‌گفتوم تو هم با مو بیا. در حیاط رو به کیچه بودیم که حسین عاشیرو که کلاس ششم بود با دیم احوال پرسی کرد و گفت مبارک‌ه کلاس اولی دارید؟ تا مو دید که نا آرومی می‌کونوم مرا از دست دیم رها کرد و بلندوم کرد و نهاد پشت گردنش و گفت با هم می‌ریم مدرسه هر کسی اذیتت کند با مو طرف است. دلم قرص شد و گریه‌ام به شادی تبدیل شد. مو هم که پشت گردنش بودم و پشت کولی اشکایم را پاک کردم و بعد از گذشت کوچه خودمون به میدون جلو مدرسه رسیدیم و مو را از کولش پائین آورد و با هم به داخل مدرسه رفتیم.

هنو ترس تو دلوم بود ولی در حیاط مدرسه پر از بچه‌های قد و نیم قدی که دیدم آروم گرفتم و دیگر خوم تنها نبودم در آن سوی حیاط مدرسه بزرگترها با هم گرم گپ گفت بودند و ما بچه‌های اولی‌ها یک کناری برای خومون آن‌ها را سیل (تماشا) می‌کردیم. چیزی نگذشت که زنگ توسط ناظم آقای سیف‌زاده که معلم ما اولی‌ها هم بود، زده شد. بچه ها کلاس به کلاس صف گرفتند و بزرگترها ما اولی‌ها و دومی‌ها را به صف کردند. بعد از خواندن دعای صبحگاهی و سخنرانی مدیر و نشان دادن کلاس‌ها اول، اولی‌ها به سمت کلاس‌های جنوبی و پشت سر ما دومی‌ها و سومی‌ها و چهارم و پنجم و ششم نیز به ضلع شمالی مدرسه وارد کلاس‌ها شدند. با رفتن بچه‌ها و هیاهوی سر و صدای عجیبی از خودشان بلند می‌کردند و به کلاس ها وارد می‌شدند. با آمدن معلم ها به کلاس مدرسه سکوتی آنی به خود گرفت. چند دقیقه‌ای نگذشت که بابای (فراش) مدرسه با دو تا از بچه های پنجمی ها و ششمی ها که بسته های کتاب در دست و در بغل‌شان بود وارد کلاس‌ها شدند و جلوی یکی یکی بچه‌ها کتاب فارسی، ریاضی و علوم گذاشتند و بچه‌ها با شوق و هله وله نگاه تو کتاب‌ها می‌کردند، فقط عکس‌هایش که می‌دیدیم می‌شناختیم ولی کلمات را نمی‌فهمیدیم. خطوط هایی مورب چپ و راست در درس فارسی و بعد از آن حروف ها اولین نوع یادگیری و مشق شب‌ها بود. دو تا درس اول که توپ بچه‌ها بالای درخت افتاده بود و بعد از مشورت باهم پله آوردند و توپ را از درخت پائین آوردند. اگر ما بودیم که خودمان از درخت می رفتیم بالا یا سنگ توپ می‌زدیم و آوردن پله اولین تغییری بود که برای‌مان جذابیت داشت. کتاب‌هایم را توی نیلون چکلایتی که اشکال میوه‌ای روی آن نقش بسته بود و بوام از سفر بحرین آورده بود، گذاشتم. کلاس ۳۵ ، ۴۰ نفری برای‌مان یک انتخاب ناخواسته بود.

زنگ آخر که زده شد مثل مرغ تو قفس که رها شود تموم بچه‌ها بدو به در خروجی مدرسه رو آوردند که دالون به این بزرگی تا چند دقیقه راه بندون شده بود. به خانه که رسیدم دیم دم در حیاط سیم (برایم) زاغ دونش تش کرده و دور سرم می‌چرخوند.

هفته اول هنو خودم را تو مدرسه پیدا نکرده بودم و یک روز که تو حیاط مدرسه گوشه‌ای تنها بودم یکی از بچه های ششمی‌ها به طرفم آومد و دید تنهایم. با من دوست شد و مهرم به دلش نشسته بود و از آن روز همیشه هوای منو داشت. برایم مداد و دفتر و چلسمه از دکون کل احمد می‌خرید که جا دارد نامی از این بزرگوار، آقای اکبر اسکوروالا که شوق و انگیزه مدرسه را در من به وجود آورد، ببرم و دیگر تو مدرسه تنها نبودم و احساس امنیت می کردم.

در آن سال بچه‌های هم سن من در محلمون و اطراف خونمون با من هم کلاس نبودند و در کلاس ما بچه‌های چهار محل، ظلم آباد، جفره و شکری تا سنگی دیده می‌شدند.

معلمان این مدرسه که در آن سال که نام و یادشان را به نیکی باید یاد کرد:

کلاس اول: سیف‌زاده، دوم : خاجگانی و ناظم، سوم: رهنمون، چهارم: مهاجر، پنجم: کلینی و نصوری، ششم: صادقی و پرویز اخلاقی. مدیر: زنوریان و محمد مهیمنی، فراش (مستخدم) ثامری که بعدها قایدی اومد. بعدازظهرهای چهارشنبه هم تربیت معلم‌ها بجای معلمان ثابت تدریس می‌کردند. (آقای محمد محمدی داور فوتبال و استاد عبدالحسین ریشهری تاریخ شناس) سال بعد مدرسه به مکانی دیگر در چند کوچه جنوب شرقی آن طرف خانه ما منتقل شد. (چاپخانه ولی عصر واقع در خیابان ولی عصر) که تا سال ۱۳۵۰ به این نام فعالیت داشت.

مشورت کنندگان: اکبر اسکوروالا، ماندنی مظلوم زاده، اکبر شادکامی و حبیب سیفوری.

نگاهی به رمان «هیاهوی پنهان» حسین پورصفر

فلسفه ورزی در روایت

محمود بدیه



کتاب هیاهوی پنهان، نوشته حسین پورصفر کار متفاوتی است نسبت به تولیدات ادبیات جنگ.

تمایز؛ یکی اینکه راوی دانای کل معطوف به شخصیت، زن است که همسر جان باخته اش را مورد خطاب قرار میدهد. روایت بیشتر ذهنی ست و ذهن راوی در هیئت اول شخص سعی دارد نقبی به درون شخصیت در گذشته‌اش بزند و آنچه در گذشته و زندگی مشترکشان قادر نبود گفتگویی شکل بگیرد، اینبار بی واسطه در یک گفتگوی ذهنی انجام می پذیرد.

یکی دیگر از خصوصیات کتاب زبان راوی است که قرص و محکم و با صلابت ظاهر میشود. یک زبان ورزی و به نوعی فلسفه ورزی در روایت، ساری و جاری است، انگار زیستن در جهان برساخته ی روایت فقط با زبان فلسفی‌دان میسر است.

محل توزیع کتاب: بوشهر، خیابان لیان کتابفروشی پارکر.

راهیابی آثار پنج هنرمند استان به جشنواره ملی نمایش‌های آیینی و سنتی

معاون هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: آثار پنج هنرمند استان به بیست و یکمین جشنواره بین المللی نمایش‌های آیینی و سنتی راه یافت.

معصومه عباسی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی مهرماه سال جاری در تبریز، شهرکرد، بجنورد و تفرش برگزار می‌شود که از استان بوشهر پنج اثر از هنرمندان در بخش‌های مختلف به این رویداد راه پیدا کرده است..

وی افزود: نمایش‌های "دل‌دشو" به کارگردانی مهدی انصاری، "نهام" از علی سنامیری، "شراع" اثر کاظم ارجمندنیا و "خطبه خون" اثر حسن فخاری، به ترتیب در بخش صحنه‌ای، بازی‌های میدانی، دانشجویی و تعزیه این جشنواره حضور دارند.

عباسی ادامه داد: مقاله "نقش مهاجرت و مراودات بین‌المللی در شکل‌گیری و توسعه آیین تعزیه‌خوانی جنوب ایران" اثر علیرضا میرشکاری نیز به بخش سمینار پژوهشی جشنواره راه یافت.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن‌های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

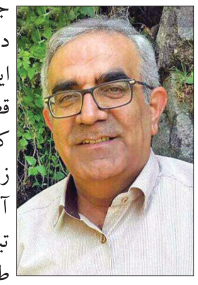
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول وسردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



دختران، طلاق و زن زیادی

دکتر سعید معدنی



جلال آل احمد کتابی دارد به نام زن زیادی. این کتاب شامل مجموعه قصه های کوتاهی است که یکی از قصه ها «زن زیادی» است.

آل احمد با همان نگاه تیزبین خود مشکلی را طرح می‌کند که دختران ما در جامعه از آن رنج می‌کشیدند و رنج می‌کشند.

روایت قصه آل احمد سرنوست دختری است آبله رو و کچل که از کلاه گیس استفاده می کند. مردی که پایش شَل است و می‌لنگد و عینک ته استکانی می‌زند و با عصا راه می‌رود و هزار عیب دارد!، به خواستگاری دختر می‌آید. به او می گویند که دختر این عیب را دارد و از کلاه‌گیس استفاده می کند. اما مرد اصرار دارد که همه شرایط را می‌پذیرد. عروسی سر می گیرد، دختر نگون‌بخت به خانه شوهر می‌رود. اما مورد بی‌مهری و آزار مادر شوهر



و خواهر شوهر و در پی آن شوهر قرار می گیرد. سرانجام پس از مدتی طلاق می گیرد و به خانه پدر می آید... .

تلخی قصه همین جاست!

او در خانه پدر دیگر جایگاه دیروزی و قبل ازدواج را ندارد و حالا دیگر همه به او به عنوان یک غریبه و یک «زن زیادی» نگاه می کنند. به عبارتی دختر تا زمانی که خانه‌ی پدر است حتی اگر چهل- پنجاه ساله هم باشد اطاق‌اش، کمد و وسایل‌اش و... مشخص است و احترام دارد. اما وقتی پس از ازدواج و مدتی زندگی متاهلی، طلاق می گیرد و مجددا به خانه پدر برمی گردد، انگار یک زن زیادی در خانه قدم می‌زند. به خصوص اگر خواهر و برادر دیگری هم داشته باشد نگاه‌ها آزاردهنده و سنگین‌تر است و رنج زنان مطلقه بیشتر می‌شود.

آمارها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر بیشترین طلاق در تاریخ ایران ثبت شده است. در مقابل هر سه ازدواج یک طلاق رخ می‌دهد. افزایش این آمارها نشان می‌دهد زنان مطلقه جامعه ما و خانواده‌های‌شان چه رنج‌هایی می کشند. البته بی‌شک این رنج‌ها برای مردان جدا شده هم هست که مجال دیگری برای پرداختن به آن می‌طلبد.

نکته‌ای را هم باید اضافه کنم این است که؛ امروزه به واسطه‌ی تحولات اجتماعی با پدیده‌ی طلاق به عنوان یک انتخاب، معقولانه‌تر برخورد می‌شود. ولی در گذشته - مثلا زمان جلال آل‌احمد- این گونه نبود. زن باید با همه رنج‌ها و ناملایمات و تحقیرها و آزارها در خانه شوهر و خانواده‌ی شوهر می‌ماند و می‌ساخت. حتی اگر به قیمت جان‌اش تمام می‌شد.

در سوگ امراله صفری، شهروند مهربان و مسئولیت‌پذیر بوشهری

تبلوری از یک ایران مهربان و اخلاق مدار

یونس قیصی‌زاده: کشور ایران در طول تاریخش، اتفاقات ناخوشایندی را از سر گذرانده، یورش‌ها و اشغال‌ها و تجاوزهای بسیاری دیده که هر کدام یک از آن‌ها برای نابودی یک کشور کافی بوده، بطوری که دیگری اثری از نام و نشان آن کشور هم باقی نمانده باشد.

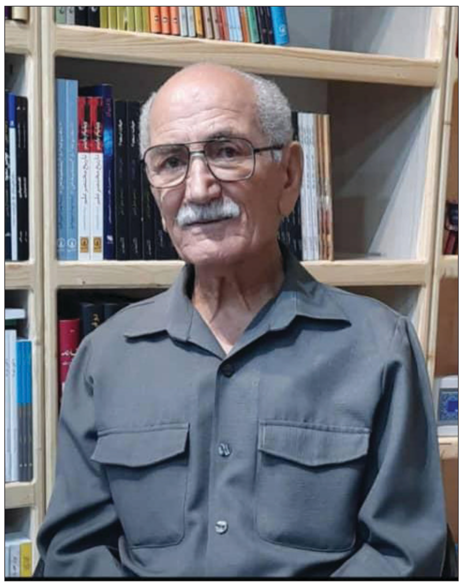
اما با وجود همه این رویدادهای تلخ تاریخی، همچنان نام ایران به بزرگی و عظمت و سرافرازی در تاریخ ماندگار است و می‌درخشد.

در بررسی عوامل و دلایل مختلف این ماندگاری، می‌توان به وجود انسان‌های ایران‌دوستی اشاره کرد که با عشق به وطن و دلسوزی وصف ناپذیری، عشق این مملکت را در دل نگهداشتند و چون عزیزی گرانبها، از آن حفاظت کردند، فرهنگش را گرامی داشتند و تاریخش را سینه به سینه منتقل نمودند و نگذاشتند تا چراغ وطن دوستی و عشق به وطن خاموش شود.

شادروان امراله صفری از جمله این وطن‌دوستان عاشق بود که در طول عمر خود، گرچه سختی‌ها دید و ناملایمات چشید، اما عشقش به وطن را نه تنها ازدست نداد که همانند شعله‌ای فروزان، بر آن دمید و خانواده، دوستان و اطرافیان را نیز از نور آن بهره‌مند نمود.

ماندگاری وطن مدیون وجود همین انسان‌های گمنام، اما عاشق، است. انسان‌هایی که فرهنگ غنی و تاریخ پربار ایران را چون نگهبانی صادق و بی‌مزد، حافظ هستند و خصایص نیکوی ایرانی بودن را در زندگی خود رعایت کرده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌نمایند. این‌چنین است که اکنون ما به ایرانی بودن خود افتخار می کنیم چون در کنار انسان‌هایی زیست کرده و می‌کنیم که تبلوری از یک ایران مهربان، دلسوز، شجاع، حماسی، اخلاق مدار و ... را برای ما نشان داده‌اند.

درگذشت شادروان امراله صفری، شهروند بوشهری که عمر خود را در مهربانی همراه با مسئولیت‌پذیری نسبت به ایران و مردمانش، سپری



نمود، گرچه باعث تأسف شد، اما نام نیکی که از وی به یادگار ماند، مایه تسلی خانواده، دوستان و آشنایان هست که چه خوش گفت استاد سخن شیخ اجل:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

بزرگترین حراج زیرساخت علمی استان بوشهر در تاریخ

آن‌چه با میراث دکتر عبدالصاحب امامی در استان بوشهر می کنند

سیامک برازجانی: در خبرهای آمده است که رئیس دانشگاه آزاد استان بوشهر اعلام کرده که دانشگاه آزاد اسلامی استان واقع در عالیشهر که در زمینی به وسعت ۲۰۰ هکتار قرار دارد قرار است با تغییر کاربری به مجتمع‌های تجاری و مسکونی تبدیل شود و عایدی آن به پرسنل و اساتید دانشگاه خواهد رسید.

این خبر نشان می‌دهد که رییس محترم دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر هیچ برنامه‌ای برای تولید ثروت از دانش ندارد.

این حراج در حالی رخ می دهد که در جهان امروز بیشترین تولید ثروت از علم صورت می گیرد اما در همه این سال‌ها دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر به دلیل بی‌انگیزه بودن مدیران آن نتوانسته هیچ ارتباط موثری با صنعت و پزشکی استان برقرار کند و کمتر تولید ثروتی از علم انجام شده است.

به هر حال امروز سایت دانشگاه آزاد عالیشهر که روزی بهترین نقطه برای ایجاد زیرساخت‌های توسعه صنعتی استان بود، چنان به حال خود رها شده که مدیران آن به جز تاسیس پاساژ و ساخت مجتمع مسکونی هیچ راهی برای بهتر شدن آن در نظر ندارند!/لیدنیوز



دکتر سیدعبدالصاحب امامی از سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۲۰ سال رئیس دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر بوده و در دوران وی، ضمن گسترش کمّی، گسترش کیفی و نیز گسترش رشته‌های تحصیلی در تمامی مقاطع صورت گرفت.



کاروانسرای «مشیرالملک» دشتستان ثبت جهانی شد

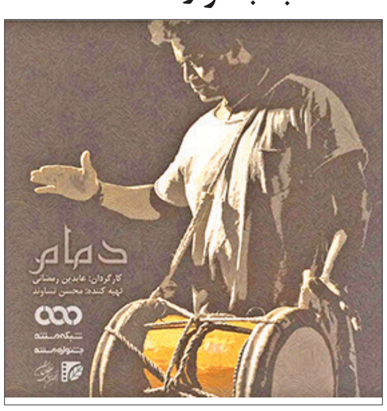


شورای جهانی یونسکو با ثبت جهانی کاروانسرای «مشیرالملک» برازجان موافقت کرد.

تعداد ۵۴کاروانسرای ایران به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه شد. این کاروانسراها از دوره ساسانی تا پایان دوره قاجار را شامل می‌شوند. به گزارش سایت دیده‌بان ایران؛ در چهل‌وپنجمین کمیته میراث جهانی یونسکو که در شهر ریاض عربستان برگزار شد، پرونده ۵۶ کاروانسرای تاریخی ایران از ۲۶ استان بررسی شد که به‌دنبال گزارش مثبت نماینده ایکوموس (کنوانسیون میراث جهانی) درباره وضعیت مرمت، نگهداری و ارزش تاریخی این کاروانسراها و اظهارات نمایندگان برخی کشورها ازجمله عمان، نیجریه، هند، مالی، آفریقای جنوبی، یونان، زامبیا، قطر، نیجریه، اتیوپی، عربستان، بلغارستان و روسیه در موافقت این پرونده و پس از حذف دو کاروانسرای صفوی در آذربایجان‌شرقی و اصفهان و با انجام اصلاحاتی در بخش‌ها و بندهایی از آن، سرانجام درمجموع ۵۴کاروانسرا در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت‌جهانی شد.

با مرمت انجام شده در کاروانسرای مشیرالملک برازجان، این کاروانسرا در فهرست ثبت جهانی قرار گرفت. تا قبل از این، استان بوشهر فاقد اثر ثبت جهانی بود.

راهیابی ۲ اثر هنرمندان بوشهری به جشنواره مستند



دو اثر از هنرمندان بوشهری به بخش مسابقه هفتمین جشنواره مستند راه یافتند.

مستند داستانی «پناه به دریا» به کارگردانی کامران رحیمی و تهیه کنندگی محمدرضا وجدی و «دمام» به کارگردانی عابدین رمضانی و به تهیه کنندگی محسن نساوند به بخش مسابقه هفتمین جشنواره تلویزیونی مستند راه یافتند.

خرید توافقی خرمای دشتستان

رئیس مجمع نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی از صدور دستور وزیر جهاد کشاورزی برای خرید توافقی خرمای دشتستان خبر داد.